

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۰۸

محمدرضا حائری مازندرانی^۱، علیرضا ملکوتی^۲، شببم‌السادات اسماعیلی^۲

روش شناخت چنددانشی معماری خانه‌های تاریخی ایران نمونه موردی بررسی ۸۷ خانه تاریخی در شش شهر کشور

چکیده

در این مقاله به چگونگی «روش شناخت معماری» بر اساس تجربه نویسندگان مقاله در بررسی رویکردهای مختلف به شناخت معماری ایران و مطالعه ۸۷ خانه تاریخی (پیش از ۱۳۰۰ هـ.ش) در ۶ شهر مختلف الاقلیم کشور یعنی رشت، کرمان، کاشان، بوشهر، همدان و شیراز پرداخته می‌شود. در این مقاله نشان داده می‌شود که روش شناخت علاوه بر گردآوری داده‌ها، شناسایی و انتخاب دانش‌هایی است که پژوهشگر را در گزینش داده‌ها و پردازش آنها هدایت می‌کند. این مقاله نشان می‌دهد که برای شناخت لایه‌های پنهان و پیدای معماری و معماری ایران، به شناختی چنددانشی نیاز است. در این مقاله استفاده ترکیبی از سه دانش گونه‌شناسی معماری، انسان‌شناسی معماری و معناشناسی معماری به‌عنوان روش شناخت معماری ایران معرفی می‌شود. استفاده ترکیبی از این سه دانش این امکان را فراهم می‌آورد تا نمودهای فیزیکی معماری، در انواع آن از جمله سقف و کف و دیوار، چگونگی بسط فضاها به یکدیگر، نور، رنگ و ... به‌صورت یکپارچه در ارتباطشان با شیوه زندگی (باورها، آیین‌ها، الگوها و عادات رفتاری، فرهنگ استفاده از اشیاء) و همچنین در ارتباط با معناهای آنها در بستر فرهنگ سرزمین برای یک جامعه و در ساحت روان‌شناختی برای هر انسان فهمیده شود. نمونه‌هایی از دستاوردهای شناختی حاصل از به‌کارگیری ترکیبی این سه دانش در مورد ۸۷ خانه تاریخی (ساخته شده پیش از ۱۳۰۰ هـ.ش) ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: روش‌شناسی معماری، معماری ایران، گونه‌شناسی، انسان‌شناسی، معناشناسی.

^۱ کارشناس ارشد معماری و شهرسازی، عضو هیئت اجرایی شورای بین‌المللی حفاظت از بناها و محوطه‌های تاریخی (ایکوموس ایران)، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: andishe.iranshahr@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مرمت معماری، عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، استان اصفهان، شهر همدان

E-mail: alireza_malakooty@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد انسان‌شناسی، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: shabnam.esmaeily@gmail.com

طرح مسئله و پرسش‌های آغازین

در اکثر کارهای پژوهشی در چند سال گذشته، به‌ویژه پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری، در صفحه‌های آغازین در ذیل واژه متدولوژی یا روش‌شناسی نوشته می‌شود که «این پژوهش بر اساس دو روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است».

مطالعه، مشاهده و مصاحبه - که در میدان و کتابخانه - صورت می‌گیرد در حکم اقداماتی هستند که پژوهشگر را به سمت آشناتر شدن با پدیده مورد مطالعه هدایت می‌کنند. پژوهشگر بر اساس این اقدامات موفق خواهد شد، داده‌های مورد نیاز را گردآوری کند. اما روش شناخت علاوه بر گردآوری داده‌ها، شناسایی دانش‌هایی است که به پژوهشگر نشان دهد چه داده‌هایی را باید گردآوری کند، آنها را چگونه پردازش کند و چگونه از آنها نتیجه‌گیری نماید. به عبارت دیگر، روش شناخت باید روشن کند که چه اطلاعاتی و چه نوع دانش‌هایی برای شناسایی پدیده مورد نظر نیاز است.



شکل ۱. تمیز قائل شدن میان دانسته و دانش در فرآیند شناخت

منبع: نگارندگان

از آنجا که معماری در قالب ساخته شدن شناخته می‌شود، چنین پذیرفته شده که هرچه در بناها و فضاها به‌عنوان «نمودهای ساختمانی» مشاهده می‌شود، تمامی هستی معماری را شامل می‌شود. این برداشت تنها به مردم عادی و بهره‌برداران از بنا و فضا منحصر نمی‌شود بلکه در دانشکده‌های معماری و نزد بسیاری از معماران، همانا چگونه ساخته شدن و شکل‌گیری بناها و فضاها معادل است با تحقق معماری. حاصل این برداشت شکل‌گیری و رواج نوعی از زبان است که آثار ساخته شده را در هیئت ظاهری آنها قابل شناسایی می‌داند. توان چنین زبانی در برابر پرسش‌هایی که در زیر می‌آید ناکافی و نارساست. پرسش‌هایی همانند:

- چرا در معماری ایران هر بنا اعم از مسجد، مدرسه و خانه؛ متشکل از یک یا چند فضای مرکزی است؟
- چرا خرده‌فضاهای پیرامون این فضا/فضاهای مرکزی در معماری ایران به‌صورت ترکیب لایه‌های افقی و عمودی شکل گرفته‌اند؟
- چرا در بناهایی که مبتنی بر راهکارهای معماری ایران ساخته شده‌اند، خرده‌فضاها و فضاها مرکزی به‌گونه‌ای ترکیب شده‌اند که بن‌بست فضایی ایجاد نمی‌شود؟
- چرا ترکیب خرده‌فضاها در معماری ایران از طریق مفصل‌بندی فضایی شکل می‌گیرد؟

- چرا بناهای معماری ایران از تخت جمشید هخامنشی گرفته تا مسجد، مدرسه آقابزرگ در کاشان، از ترکیب سه‌گونه فضاهای باز، پوشیده و بسته شکل گرفته‌اند؟ (حائری، ۱۳۸۸، ۱۱۱-۱۱۸)
- رابطه ساختمان با دما، باران، رطوبت، خاک، گیاه، باد، ماه، خورشید در معماری ایران چگونه بوده است؟
- عکس‌العمل بناها نسبت به ترکیب و همجواری با هم چگونه بوده است؟
- نسبت ساختمان‌ها با حضور انفرادی و جمعی انسان‌ها، کودک، زن، پیر، جوان چگونه بوده است؟
- آیا معماری ایران به‌تمامی سطوح نیازهای انسان/انسان‌ها، سطوح بیولوژیک، سطوح اجتماعی، نیازهای عاطفی، نیازهای معنایی و فرهنگی پاسخ گفته است؟ اگر آری، چگونه؟
- چگونه شناختی از معماری ایران می‌تواند در مسیر معاصر سازی آن در معماری امروز مفید واقع شود؟

این مقاله که مبتنی بر بررسی رویکردهای مختلف به شناخت معماری ایران و تجربه مطالعه ۸۷ خانه تاریخی در ۶ شهر مختلف‌الاقليم کشور یعنی رشت، کرمان، کاشان، بوشهر، همدان و شیراز است، در پی پاسخ به این پرسش برآمده که چه روشی می‌تواند منجر به شناخت معماری ایران شود تا توانایی پاسخ به این پرسش‌ها و یا پرسش‌های دیگری را داشته باشد که همزمان وجوه عیان و نهان معماری را دربرمی‌گیرند و چنین پاسخ‌هایی امکان معاصر سازی دانش معماری ایران را تسهیل کند؟

نویسندگان این مقاله با تجربه حضور خود در شهرهای مختلف‌الاقليم کشور، مشاهده و ثبت داده‌ها در مورد ارتباط چگونگی سازمان‌یابی فضا در هر یک از شهرها با ویژگی‌های مکانی و زمانی و انسانی آنها، گفتگو با ساکنان ۸۷ خانه‌های ایرانی ساخته شده قبل از ۱۳۰۰ هـ.ش (حائری، ۱۳۸۸) و همچنین ساکنان خانه‌های معاصر ساخته شده پس از ۱۳۴۰ هـ.ش، کنار هم گذاشتن شیوه‌های سازمان‌یابی فضا در ایران از زمان پیش از اسلام تا نمونه‌های ساخته شده پیش از ۱۳۰۰ هـ.ش، ثبت تجربه‌های عاطفی، احساسی و معنایی گروه‌های مختلف و با حضور در فضاهای معماری ایران به پی‌گیری این پرسش‌ها پرداخته‌اند. تعداد ۸۷ خانه تاریخی بر اساس میزان سلامت و باقی‌ماندن خانه و همچنین امکان دسترسی به ساکنان خانه انتخاب شده‌اند.

رویکردهای مختلف شناخت در معماری ایران

از میان آثار منتشر شده مرتبط با معماری ایران، می‌توان رویکردهای مختلفی را برای شناسایی معماری ایران از زاویه دانش‌های گوناگون تشخیص داد. این رویکردها شامل باستان‌شناسی، تاریخ هنرشناسی، رویکرد عرفانی، رویکرد فراتاریخی و اسطوره‌ای، رویکرد انسان‌شناسی و همچنین رویکرد اقلیمی است. هر یک از این رویکردها بر اساس تعریفی که به‌طور ضمنی از معماری ایران در هر کدام از آنها وجود داشته، داده‌ها و اطلاعات مشخصی را مد نظر قرار داده‌اند. جدول ۱ شاخص‌های مورد توجه هر یک از این رویکردها و تعاریف ضمنی آنها را از معماری ایران به‌همراه شخصیت‌هایی که در هر رویکرد صاحب‌نظر هستند نشان می‌دهد.

جدول ۱. رویکردهای تدوین شده در شناخت معماری ایران

نظریه پردازان	تعریف معماری از منظر رویکرد	شاخص‌های مورد توجه	رویکردهای تدوین شده*
ارنست هرتسفلد، آندره گدار (گدار، ۱۳۶۹) (گدار ۱۳۶۶) رومن گیرشمن (گیرشمن، ۱۳۵۵) (گیرشمن ۱۳۷۲) آرتور اپهام پوپ (پوپ، ۱۳۶۲) محمدتقی مصطفوی علی سامی	معماری ایران به‌مثابه یکی از مصداق‌های فرهنگ مادی تمدن‌های گذشته	<ul style="list-style-type: none"> • قدمت و زمان اثر • دوره‌های تاریخی • اوج و حسیض تمدن مرتبط با آثار • ویژگی‌های کتی و ملموس همچون، آلات و ابزار، غذا و پوشاک ساکنان • آنها، خط و زبان و هنرها • ویژگی‌های سازه‌ای • اثرپذیری از دوره‌های پیشین و اثرگذاری بر دوره‌های بعدی 	باستان‌شناسی
محمدکریم پیرنیا (پیرنیا، ۱۳۶۹) (پیرنیا، ۱۳۸۰) یوسف کیانی (کیانی، ۱۳۶۵) (کیانی، ۱۳۶۶) (کیانی، ۱۳۶۸) (کیانی، ۱۳۷۰)	معماری ایران به‌مثابه هنر در درون مرزهای تاریخی-جغرافیایی سلسله‌های حکومتی	<ul style="list-style-type: none"> • وجوه ملموس آثار معماری همچون: • شکل بناها • تزیینات • خواص ظاهری مصالح • نحوه کاربرد مصالح • ویژگی‌های سازه‌ای • شکل و ارتفاع ستون‌ها • پنجره‌ها، شیشه‌ها • گچ‌بری، آئینه‌کاری 	تاریخ هنر
تیتوس بورکهارت هانری استرلن (استرلن، ۱۳۷۷) حسین نصر (نصر، ۱۳۷۰) لاله بختیار نادر اردلان (Ardalan, Bakhtiar, 1973)	معماری ایران به‌مثابه هنر قدسی	<ul style="list-style-type: none"> • مفاهیم عرفانی • آیین‌ها و فضاهای آیینی • الگوها و انگاره‌های بی‌زمان در معماری 	رویکرد عرفانی (قدسی)
مهرداد بهار (بهار، ۱۳۷۲) داریوش شایگان (شایگان، ۱۳۵۵) (شایگان، ۱۳۵۶) (شایگان، ۱۳۷۰)	معماری ایران، خاطره ازلی و اسطوره‌های مردم ایران‌زمین	<ul style="list-style-type: none"> • اسطوره‌ها • الگوها و انگاره‌های بی‌زمان (ازلی-ابدی) در معماری 	رویکرد فراتاریخی-اسطوره‌شناسی
مرتضی کسمایی	شکل‌گیری معماری ایران بر اساس ضرورت‌های اقلیمی	تأثیرات اقلیم و آب و هوا بر چگونگی مصالح و سازمان یافتن فضا در معماری ایران	رویکرد اقلیمی
کریستین برومبِرْه (برومبِرْه، ۱۳۷۰)	معماری، سازمان‌یابی فضا بر اساس شیوه‌ها و معانی زندگی	<ul style="list-style-type: none"> • شیوه زندگی • آداب و رسوم • قلمروهای خصوصی و عمومی • نمادها و نشانه‌ها 	رویکرد انسان‌شناسانه

* رویکردها، شاخص‌های مورد توجه و تعاریف ذکر شده با یکدیگر همپوشانی دارند و این تقسیم‌بندی به‌معنای جدایی مطلق آنها از یکدیگر نیست. همچنین نمایندگان ذکر شده، نمایندگان تام و تمام نیستند و ذکر نام آنان فقط از باب مثال است.

منبع: نگارندگان

از میان این آثار تعدد متون مرتبط با بیان باستان‌شناسی و بیان عرفانی درباره معماری ایران بیشتر است. هر دو بیان از سابقه و پرداخت بیشتری برخوردارند. بیش از یک قرن از حضور کاوشگران در محوطه‌ها و بناها در ایران می‌گذرد. در همین فاصله باستان‌شناسی در ایران و باستان‌شناسان ایرانی از رشد قابل توجهی برخوردار شده و به‌همین نسبت آثار مکتوب در این زمینه افزایش یافته است. فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران منجر به تولید اطلاعات و دستاوردهای بسیار ارزشمندی برای شناسایی وجوه عیان معماری ایران شده است. در حوزه تاریخ هنرشناسی نیز آثار پیرنیا و یوسف کیانی، وجوهی از معماری ایران را روشن کرده‌اند. از طرف دیگر برخورداری فرهنگ ما از سابقه‌ای طولانی در بینش و بیان عرفانی و کوشش‌های نیم‌قرن اخیر تنی چند از متفکران (بورکهارت، استرلن، نصر، بختیار و نادر اردلان) و انتشار آثارشان به‌همراه انتشار کتاب حس وحدت، بیان عرفانی از وجوه پنهان معماری ایران را قوت و غنا بخشیده است. در کنار این بیان، به‌کارگیری بیان فراتاریخی و دانش اسطوره‌شناسی به شناخت وجوه پنهان معماری ایران از زاویه دیگری همت گماشته است. مهرداد بهار و داریوش شایگان از این زاویه به معماری ایران نگریسته‌اند. رویکرد انسان‌شناسی در مواردی بسیار معدود در شناخت معماری ایران به‌کار رفته است. نمونه بارز این رویکرد مطالعه کریستین برومبرژه بر معماری منطقه گیلان است و نوشته‌های مرتضی کسمایی در زمینه رویکرد اقلیمی به بسط ادبیات معماری در این زمینه کمک‌های شایانی کرده است.

از مجموعه بیان‌های شناخت معماری ایران که به اختصار در جدول ۱ به آنها اشاره شد، معلوم گردید که در میان این بیان‌ها، برخی از آنها، معماری ایران را با تکیه بر ویژگی پیدا و عیان آن مورد شناسایی قرار داده و برخی دیگر بیشتر بر وجوه پنهان معماری ایران تکیه کرده‌اند. دستاوردهای باستان‌شناسی و تاریخ هنرشناسی، شناسایی ویژگی‌های عیان معماری ایران مبتنی بر سیر تحول خطی زمان را مد نظر داشته و دستاوردهای عرفانی و اسطوره‌ای، شناسایی ویژگی‌های نهان معماری ایران مبتنی بر زمان فراتاریخی و زمان بی‌کرانه^۱ را مشخص کرده‌اند. مجموعه این رویکردها نشان می‌دهند که شناخت معماری ایران به‌طور همزمان مستلزم آگاهی یافتن از وجوه عیان و نهان است. برای افزایش گویایی بیان در معماری ایران ضروری است که ترکیب تازه‌ای از این بیان‌ها به‌کار گرفته شود. شیوه‌ای که نگارندگان مقاله در شناخت معماری ایران از مسیر مطالعه ۸۷ خانه تاریخی پی‌گرفته‌اند، انتخاب ترکیبی از دانش‌ها برای شناخت چندوجهی معماری ایران، مبتنی بر تعریفی است که نویسندگان از معماری ایران به‌دست آورده‌اند. در این تعریف، معماری ایران «سازماندهی آگاهانه فضا مبتنی بر طبیعت سرزمین، شیوه زندگی و فرهنگ معنایی» است.

دانش‌های لازم برای پردازش داده‌های مرتبط با شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران
نویسندگان این مقاله بنا به تجربه خود از طریق حضور در شهرهای مختلف کشور، مشاهده و ثبت داده‌ها در مورد ارتباط چگونگی سازمان‌یابی فضا در هر یک از شهرها با ویژگی‌های مکانی و زمانی و انسانی آنها، گفتگو با ساکنان خانه‌های ایرانی ساخته شده قبل از ۱۳۰۰ هـ.ش و همچنین ساکنان خانه‌های معاصر ساخته شده پس از ۱۳۴۰ هـ.ش، کنار هم گذاشتن شیوه‌های سازمان‌یابی فضا در ایران از زمان پیش از اسلام تا نمونه‌های ساخته شده پیش از ۱۳۰۰ هـ.ش ثبت تجربه‌های عاطفی، احساسی و معنایی گروه‌های مختلف با حضور در فضاهای معماری ایران، دریافتند که معماری ایران، سازمان‌یابی آگاهانه فضا مبتنی بر

سرزمین، شیوه زندگی و فرهنگ ساکنان سرزمین است. بر این اساس استفاده ترکیبی از دانش‌های انسان‌شناسی معماری برای شناخت وجوه مرتبط با شیوه زندگی، معناشناسی معماری برای شناسایی وجوه مرتبط با فرهنگ معماری ایران و گونه‌شناسی معماری به منظور شناخت وجوه مرتبط با طبیعت سرزمین، ابعاد تازه‌تری از این پدیده چندوجهی را روشن می‌کند. در این زمینه دانش‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنرشناسی، اسطوره‌شناسی و عرفان و همچنین جامعه‌شناسی و اقتصاد فرد، خانواده و جامعه به‌عنوان دانش‌های پشتیبان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

شناخت معماری ایران در یک فرآیند چرخشی مداوم میان گردآوری داده‌ها، پردازش آنها با تکیه بر دانش‌های انتخابی، طرح پرسش‌های مجدد، گردآوری دوباره داده‌ها و پردازش دوباره صورت می‌گیرد. هرچه این چرخه بیشتر تکرار شود، شناخت عمیق‌تری از معماری ایران به دست خواهد آمد.

جدول ۲. دانش‌های انتخابی برای شناخت معماری ایران

دانش‌های مورد نیاز	مقوله‌های اصلی شناخت معماری	دانش‌های پشتیبان	وجوه معماری
گونه‌شناسی	به منظور شناخت وجوه مرتبط با سرزمین	باستان‌شناسی و تاریخ هنرشناسی	وجه مرئی
معناشناسی / نشانه‌شناسی	به منظور شناخت وجوه مرتبط با فرهنگ	اسطوره‌شناسی و عرفان	وجه نامرئی
انسان‌شناسی	به منظور شناخت وجوه مرتبط با شیوه زندگی	جامعه‌شناسی و اقتصاد فرد، جامعه، خانواده	نسبت وجه مرئی با نامرئی در فضا و بنا

منبع: نگارندگان

در ادامه مقاله چگونگی گردآوری داده‌ها مبتنی بر انتخاب این سه دانش برای شناخت معماری ایران، شرح هر یک از دانش‌های سه‌گانه و خلاصه‌ای از چگونگی بهره‌گیری از هر روش و نمونه‌ای از دستاوردهای مرتبط با این روش‌ها که با طی شدن فرآیند شناخت چرخه‌ای در مطالعه ۸۷ خانه تاریخی به دست آمده ارائه می‌شود. در فرآیند شناخت چرخه‌ای (فلیک، ۱۳۸۷) به‌طور مداوم با تکیه بر سه دانش مذکور، داده‌ها گردآوری شده و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت و سپس مجدداً با طرح پرسش‌های دیگری، داده‌های مورد نیاز بیشتر گردآوری می‌شد و با تکیه بر این سه دانش دوباره بررسی و ارزیابی صورت می‌گرفت. این چرخه به‌صورت مداوم در حال انجام است و هر بار به عمیق‌تر شدن دستاوردها منجر می‌شود.

نمونه‌ای از داده‌ها و دانسته‌های مورد نیاز شناخت معماری

به‌منظور شناخت چندجانبه معماری ایران به‌عنوان «سازمان‌یابی آگاهانه فضا مبتنی بر طبیعت سرزمین، شیوه زندگی و فرهنگ معنایی» با تکیه بر دانش‌های گونه‌شناسی، انسان‌شناسی و معناشناسی، لازم است سه مقوله از داده‌ها مد نظر قرار گیرند:

۱. نمونه داده‌های مرتبط با طبیعت سرزمین (مکان) شامل:

- انواع بناها از اولین بناها تا آخرین بناها در سرزمین؛
- انواع رفتار بنا با پدیده‌های طبیعی سرزمین؛
- انواع راهکارهای فضایی برای بهره‌مندی از انرژی؛
- انواع رفتارهای بنا در همجواری‌ها؛
- انواع جلوه‌های دوره‌ای طبیعت در سازمان‌یابی فضا
- ...

۲. نمونه داده‌های مرتبط با شیوه زندگی شامل:

- انواع پاسخ‌های فضایی به قلمروهای عمومی و خصوصی؛
- انواع پاسخ‌های فضایی به عادت‌های رفتاری (خوردن، خوابیدن، معاشرت کردن، نشستن، پخت‌وپز و...)
- انواع پاسخ‌های فضایی به نقش‌ها و روابط اجتماعی در خانه؛
- انواع پاسخ‌های فضایی به چگونگی حضور کودکان، بزرگسالان و سالمندان در خانه؛
- انواع پاسخ‌های فضایی به چگونگی برقراری ارتباط با طبیعت؛
- انواع پاسخ‌های فضایی به تحولات شیوه زندگی؛
- نسبت خلق‌وخوی و رفتار فردی و اجتماعی افراد یک جامعه با ابعاد، فواصل و تناسبات فضاهای سازمان‌یافته
- ...

۳. نمونه داده‌های مرتبط با فرهنگ معنایی شامل:

- نمونه مصادیق معماری مبتنی بر مفاهیم انسانی؛
- نمونه مصادیق معماری متکی بر مفاهیم فرهنگی؛
- نمونه الگوهای فضایی مرتبط با مناسک و آیین‌ها؛
- انواع پاسخ‌های فضایی برای نیازهای عاطفی و روانی؛
- ...

اقدام ضروری برای به‌دست‌آوردن بسیاری از این داده‌ها و برقراری ارتباط مستقیم با معماری و شناخت آن، حضور در محیط و فضای مورد نظر است. با حضور در مکان تمامی حواس برای شناخت معماری با آن درگیر می‌شوند. بررسی یک تابلوی نقاشی عموماً از طریق مشاهده صورت می‌گیرد و یا یک قطعه موسیقی از طریق شنیده شدن. اما برای شناخت معماری و طراحی باید در درون فضا و محیط حضور یافت و حرکت کرد. باید در ساعات و لحظات مختلف فضا را تجربه کرد. در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز، در فصول مختلف سال، در ایام معمول و ایام آیینی، فضا و محیط تغییر می‌کند. بررسی سازمان‌یابی فضا این‌گونه آغاز می‌شود. چگونگی حضور صداها، نورها، بوها، رنگ‌ها، گرما و سرما در فضا و چگونگی تحقق فعالیت‌ها در آن، بخشی از ادراک

معماری محسوب می‌شوند. کسب داده در مورد تمامی این وجوه جز از طریق حضور در فضا و در معرض آن قرار گرفتن و گفتگو با ساکنان و بهره‌برداران از فضا امکان‌پذیر نمی‌شود. مشاهده را باید ثبت کرد. مشاهده آگاهانه معمار را به سمت یافتن پاسخ پرسش‌های پدید آمده درباره چگونگی ارتباط سازمان‌یابی فضا با مجموعه ویژگی‌های مکانی، زمانی و انسانی هدایت می‌کند. مشاهده آگاهانه به معنای طی کردن پی‌درپی و رفت و برگشتی فرآیند مشاهده، ثبت، طرح پرسش‌های تازه، مشخص کردن کاستی‌ها، مشاهده، ثبت و طرح پرسش مجدد است. این فرآیند باید به صورت مداوم در تمامی مراحل کسب شناخت حضور داشته باشد.

علاوه بر تجربه حضور معمار، یکی از ضرورت‌های شناخت معماری شناخت طیف متنوعی از تجربه‌ها و درک تجربه انواع استفاده‌کنندگان از یک مکان است. برای درک این تجربه‌های متنوع باید با ساکنان بناها و بهره‌برداران آن محیط گفتگو کرد و روایت و برداشت آنها را از فضای سازمان‌یافته استخراج نمود. علاوه بر این لازم است که از تجربه‌های دیگران که به صورت مکتوب درآمده نیز استفاده کرد.

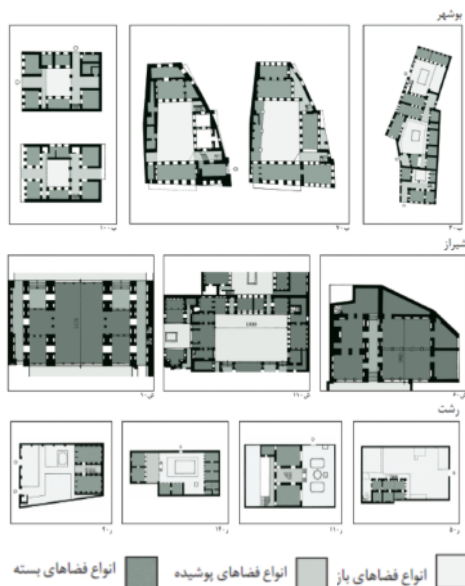
گونه‌شناسی معماری

گونه‌شناسی تشکیل‌دهنده پایه تفکر در طبقه‌بندی، پردازش و اندیشیدن در مورد انواعی از پدیده‌هایی است که قابلیت کنار هم قرار گرفتن را دارا هستند. از طریق مفهوم‌سازی بر اساس این طبقه‌بندی‌ها، شناخت به تدریج صورت می‌گیرد. دانش گونه‌شناسی به ما می‌آموزد که چگونه داده‌های متنوع را دسته‌بندی کنیم و از طریق آن، تنوع‌ها و تشابهات را بشناسیم. گونه‌شناسی آگاهانه طی کردن مسیری است که در هر لحظه ذهن ما برای شناخت پدیده‌های روزمره از طریق مشاهده، طبقه‌بندی، تطبیق، دسته‌بندی تشابهات و تمایزها به کار می‌گیرد. معماری پدیده‌های متنوع با جلوه‌های مرئی و نامرئی متنوع در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است و همزمان در این تنوع، ویژگی‌های مشترک جهان‌شمول سرزمینی و شیوه زندگی مردمان وجود دارد. گونه‌شناسی معماری دانشی است که امکان شناخت وجوه تشابه و تفاوت را در قلمروهای مکانی مختلف و در طی زمان‌های مختلف فراهم می‌کند. گونه‌شناسی امکان شناسایی رفتار معماری با مکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد؛ در ترکیب با دانش انسان‌شناسی به شناسایی ترکیب‌های فضایی متناسب با فرهنگ و شیوه زندگی منجر می‌شود و به همراه دانش معناشناسی معماری، شناسایی مصداق‌های فضایی معانی را امکان‌پذیر می‌سازد (Rossi, 1992). از طریق دانش گونه‌شناسی داده‌های متنوع به دست آمده از معماری قابل سامان‌دادن و پردازش هستند. تمامی وجوه معماری آنگاه که به زبان مقطع، پلان، حجم، تصویر و دیاگرام ثبت می‌شوند قابل پردازش می‌شوند. کنار هم گذاشتن انواع تناسبات و اندازه‌ها در بناهای معماری ایران، انواع مصالح، انواع شیوه‌های حضور نور در فضا، انواع شیوه‌های ایجاد کوران‌های افقی و عمودی در فضا، انواع شیوه‌های ایجاد سایه، انواع شیوه‌های بهره‌مندی از گرمای خورشید، انواع ابعاد پنجره‌ها، انواع فضاهای باز، انواع فضاهای بسته، انواع فضاهای پوشیده، انواع شیوه‌های ارتباط فضاهای یکدیگر و ایجاد چشم‌انداز و مطالعه تطبیقی آنها امکان شناخت دانش نهفته را در آنچه طی سال‌ها در یک سرزمین مورد استفاده قرار گرفته و از بوته آزمایش شرایط اجتماعی موفق بیرون آمده است، برای پژوهشگر فراهم می‌کند و علاوه بر آن معمار را با طیف متنوعی از فضاها آشنا می‌کند. به این ترتیب دانش گونه‌شناسی نزدیک‌ترین دانش در شناخت معماری ایران برای به کار بردن آن در طراحی معماری معاصر ایران است و حلقه واسطی است که شناخت به دست آمده از طریق دانش‌های دیگر را که به وجوه نامرئی می‌پردازند به مرحله استفاده از آنها در طراحی معماری متصل می‌کند.^۲

در فرآیند بررسی گونه‌شناسانه ۸۷ خانه تاریخی مورد مطالعه ۱۵ موضوع مد نظر قرار گرفته و خانه‌های تاریخی بر اساس این ویژگی‌ها گونه‌شناسی شده‌اند:

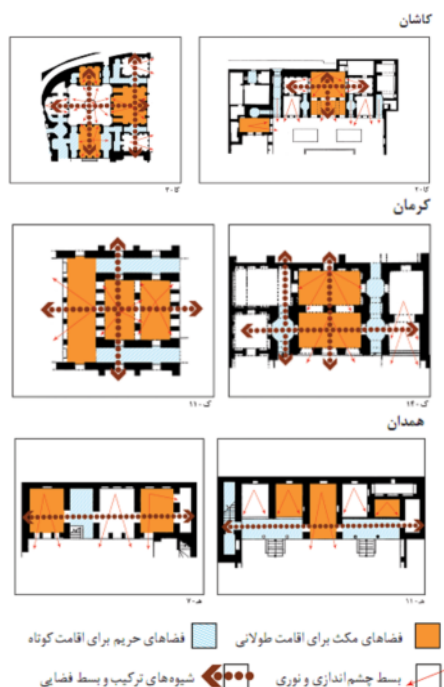
۴. انواع الگوهای فضایی باز، بسته و پوشیده؛
۵. انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
۶. انواع شیوه‌های بسط و گسترش فضا (بسط فضایی، نوری و چشم‌اندازی)؛
۷. انواع خط آسمان؛
۸. انواع فضاهای یک‌رو، دو رو، چندرو؛
۹. انواع حضور نور در فضا؛
۱۰. انواع ارتفاع در فضاها؛
۱۱. انواع دیوار و جداکننده؛
۱۲. انواع نقش بدنه‌ها در تعریف گونه‌های فضایی
۱۳. انواع نماهای بدنه‌های داخلی و خارجی؛
۱۴. انواع فضاهای عبوری دور حیاط‌های دو طبقه؛
۱۵. انواع فضاهای ورودی از بیرون به درون؛
۱۶. انواع ایوان و ایوانچه؛
۱۷. انواع فضاهای بسته؛
۱۸. انواع همجواری فضاهای بسته؛
۱۹. انواع اتصال جزء فضاها؛

با به‌کارگیری این دانش در شناخت معماری ایران، دو مقوله شیوه و الگو در درون سازمان فضایی خانه‌های تاریخی روشن شد که در اینجا به معرفی بخشی از دستاوردهای به‌کارگیری این روش در خصوص این دو مقوله اشاره می‌شود. شیوه‌ها شامل شیوه‌های تعریف، ترکیب و نمایش فضا و الگوهای فضایی در قالب، فضاهای باز، بسته و پوشیده در این مقاله معرفی شده‌اند که این دستاوردها در جدول ۳ به اختصار بیان شده است.



شکل ۲. نمونه‌ای از گونه‌شناسی انواع الگوهای فضایی باز، بسته و پوشیده

منبع: نگارندگان



شکل ۳. نمونه‌ای از گونه‌شناسی انواع فضاها و حریم‌های بینابینی، در شهرهای کاشان، کرمان و همدان
منبع: نگارندگان

جدول ۳. برخی از دستاوردهای دانش گونه‌شناسی در شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران

مقاله	دستاوردها
تغذیه فضایی	<ul style="list-style-type: none"> سه‌گونه فضای متمایز (باز، بسته و پوشیده) در ترکیب با هم، با درجه‌های معلومی از پوشیدگی، اندازه و محل استقرار در سازمان فضایی خانه حضور دارند. به‌موازات حضور تعریف شده انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده، جایی برای فضاهای رها شده در سازمان فضایی خانه باقی نمی‌ماند. هر سه عنصر سقف، کف و دیوار استقلال معنایی دارند و از فرم، مضمون و حالت برخوردارند. ترکیب دو و سه عنصر تعریف‌کننده فضا، فضاهای باز (شامل دیوار و کف)، فضاهای پوشیده (شامل کف و سقف) و فضاهای بسته (شامل کف، سقف و دیوار) با تنوع بی‌شماری را ایجاد می‌کند. فضاهای همجوار در تعریف یکدیگر مشارکت می‌کنند، به‌نحوی که هرگونه فضا را گونه دیگر دربرمی‌گیرد. فضاهای باز را فضاهای پوشیده و بسته در پیرامون می‌گیرند. فضاهای پوشیده را فضاهای باز و بسته. فضاهای بسته را فضاهای باز و پوشیده دربرمی‌گیرند.
ترکیب فضایی	<ul style="list-style-type: none"> فضای لایتناهی منبع تغذیه معماری است. معماری خانه‌های تاریخی قسمتی از فضا را برای حضور، تعریف و تنظیم می‌کند و در این فرآیند خصلت پیوسته بودن فضای محصور شده به فضای لایتناهی را حفظ می‌نماید. پیوستگی با فضای نامحدود از طریق بسط نوری و چشم‌اندازی و بسط فضایی جزء فضاها به یکدیگر ایجاد می‌شود. این ویژگی در هر سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده در خانه‌های تاریخی وجود دارد. فضاهای باز، اتاق بدون سقف هستند و امکان ترکیب با بالا را دارند. فضاهای پوشیده اتاق بدون دیوار هستند و امکان ترکیب با پیرامون را دارند. سقف و دیوارهای فضاهای بسته نیز به‌نحوی طراحی می‌شوند تا برای فضاهای بسته نیز امکان ترکیب و بسط فضایی، نوری و چشم‌اندازی فراهم شود. با فراهم شدن امکان بسط برای هر یک از سه‌گونه فضا، جزء فضاهای گوناگون خانه در لایه‌های مختلف به یکدیگر متصل می‌شوند و یک کل را تشکیل می‌دهند. می‌توان حرکت را از پایین‌ترین لایه خانه آغاز کرد و به بالاترین لایه رسید. سازمان فضایی در مقابل این حرکت نه‌تنها مانعی ایجاد نمی‌کند، بلکه وظیفه هدایت این حرکت را بر عهده گرفته است. از زیرزمین به حیاط، از حیاط به صفا، از صفا به بالاخانه، از بالاخانه به مهتابی، از مهتابی به بام و از بام به آسمان.

مقوله	دستاوردها
فضای فضا	<ul style="list-style-type: none"> • جزء فضاهای خانه‌های تاریخی از منظر ابعاد، کف، طراحی دیوارها و ارتفاع و سازه سقف متنوع و متعدد بوده، هر یک دارای شخصیت متفاوتی هستند. • شیوه‌های گوناگونی شامل تمایزهای ارتفاعی، گوناگونی مصالح، رنگ‌ها، نقش‌ها، نورها و چشم‌اندازها برای نمایش معمارانه مضامین و حالت‌های انسانی به‌کار گرفته شده‌اند. • شیوه‌های نمایش هر جزء فضا بر حسب موقعیت استقرار، مضمون و حالت آن جزء فضا متفاوت است. اختیارات معمارانه، معمار هر خانه را مجاز می‌دارد که به رأی و تفسیر، ذوق و طبع خود نمایش هر فضا را طراحی و اجرا کند.
فضاهای باز	<ul style="list-style-type: none"> • جلوه‌های گوناگون فضاهای باز در ابعاد، جایگاه خود در سازمان فضایی و مضمون‌ها و حالت‌های مختلفی وجود دارند؛ چنانکه حیاط فضای عمومی است، صفا و طارمی فضاهای نیمه‌عمومی و مهتابی فضای خصوصی باز است. • طراحی بدنه‌های فضاهای باز به شیوه‌ای است که انواع حیاط‌ها همانند اتاق‌های بی‌سقف و سایر فضاهای باز با سه بدنه، حس دربرگرفتنی را ایجاد می‌کنند. • حیاط به‌عنوان اصلی‌ترین فضای باز، هم‌زیستی با طبیعت را ایجاد می‌کند. • مجموعه فعالیت‌های زندگی درون اتاق‌ها را می‌توان به حیاط منتقل نمود. • بام، فضای باز مورد استفاده خانواده در بالاترین سطح خانه است که جهت دیدار همسایگان و اهل محل مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌توان مسافت یک محله را بر روی بام طی کرد.
فضاهای بسته	<ul style="list-style-type: none"> • سهم فضای بسته شامل سقف، کف و دیوار در یک بنا متناسب با میزان فضای باز و پوشیده تعیین می‌شود. • انواع فضای بسته در جایگاه‌های مختلف سازمان فضایی با ابعاد و مضامین و حالت‌های مختلف وجود دارند؛ مثلاً شاه‌نشین فضای عمومی، پنج‌دوری نیمه‌عمومی، سهدری نیمه‌خصوصی و پساتاق، فضای خصوصی بسته است. • فضاهای بسته استقلال نسبی داشته و از توان ترکیب با یکدیگر برخوردار هستند. • فضاهای بسته دارای مقیاس‌های تعریف شده از کوچک تا بزرگ هستند که همخوان با نیازهای شیوه زندگی است (نظیر دودری، سهدری، پنج‌دوری). • امکان بسط فضاهای بسته به یکدیگر، بسط فضای بسته به باز و پوشیده در نظام طراحی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی وجود دارد
فضاهای پوشیده	<ul style="list-style-type: none"> • فضای سرپوشیده یکی از گونه‌های اصلی فضا در معماری ایران است که بیش از دو هزار سال با شیوه‌های زندگی ساکنان ایران‌زمین عجین شده است. فضای سرپوشیده عمدتاً دارای سقف و کف است. • از کل قطعه زمین که به سازمان فضایی یک بنا اختصاص دارد، سهم معینی به فضای سرپوشیده اختصاص دارد. • انواع فضاهای پوشیده در جایگاه‌های مختلف سازمان فضایی مستقر در یک قطعه ملکی با ابعاد مختلف، مضامین و حالات مختلف وجود دارند. در خانه‌های تاریخی دستگاه سرپوشیده فضای عمومی، حوضخانه فضای نیمه‌عمومی، ایوان فضای نیمه‌خصوصی و ایوانچه فضای خصوصی پوشیده است. • فضاهای پوشیده، هم‌زمان و هم‌مکان، هم حریم بیرون و درون هم مفصل و محل اتصال فضاهای باز و بسته هستند و از امکان ترکیب با هر دو فضای باز و بسته برخوردارند.

منبع: نگارندگان

انسان‌شناسی معماری^۳

انسان‌شناسی معماری دانشی است که چگونگی ارتباط میان زندگی - با همه گستردگی آن - را با معماری بر ما آشکار می‌کند. از منظر دانش انسان‌شناسی معماری هرگونه سازماندهی فضا توسط انسان و گروه‌های انسانی، معماری محسوب می‌شود و بدون آنکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد همه آن انواع قابل مطالعه است. معماری پدیده‌ای انسانی و حاصل تعامل انسان و فرهنگ انسانی با محیط در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون است. معماری به‌طور مستقیم با شیوه زندگی و تغییرات شیوه زندگی در ارتباط است و با خوراک، پوشاک، اشیاء، الگوها و عادات رفتاری، باورها و آیین‌ها پیوند دارد. نظامات اجتماعی دارای مابه‌ازاهایی در سازمان‌یابی فضا در شهرها و بناها هستند (Egenter, 1997).

انواع سازماندهی فضاها، طیف متنوعی از چگونگی فاصله گرفتن افراد در حالت‌های مختلف از یکدیگر و انواع پوشش‌ها، سایبان‌ها و سکونتگاه‌های موقت، چادر عشایر و کوچ‌نشینان تا خانه‌های اقشار مختلف یک جامعه و فضاها و مکان‌های عمومی را شامل می‌شود. دانش انسان‌شناسی می‌آموزد که هیچ رفتاری از انسان‌ها و گروه‌های انسانی نباید بدیهی و بی‌اهمیت انگاشته شود و در مورد همه جزئیات رفتار پرسش و چرایی مطرح می‌کند. انسان‌شناسی با روشن کردن ابعاد گوناگون ارتباط انسان با فضا، نشان می‌دهد که چگونه ارتباط انسان با معماری و نحوه حضور وی می‌تواند مورد مشاهده و بررسی قرار گیرد و با کسانی که در فضاها معماری ساکن هستند باید چه پرسش‌ها و گفتگوهای انجام شود (Rapoport, 1999).

به این ترتیب به‌کارگیری دانش انسان‌شناسی معماری برای شناخت معماری ایران این امکان را فراهم می‌آورد تا انواع پاسخ‌های فضایی فراهم شده برای شیوه زندگی و تحولات آن، انواع پاسخ‌های فضایی به قلمرو عمومی و خصوصی/حریم‌ها، انواع مصداق‌های فضایی برای مفاهیم فرهنگی، چگونگی ارتباط سازمان فضایی با آیین‌ها و مناسک و انواع پاسخ‌های فضایی برای نیازهای عاطفی و روانی که در معماری ایران در طی سال‌ها مورد استفاده و آزمون قرار گرفته است، شناسایی شوند. شناسایی این الگوهای فضایی راه را برای طراحی کردن با بهره‌مندی از دانش معماری ایران و تجربه آزمون شده این معماری در این سرزمین، در پاسخگویی به شیوه زندگی و روابط اجتماعی هموار می‌کند. کریستین برومبِرژ از اولین پژوهندگانی است که با این بیان به شرح معماری روستایی گیلان پرداخته است (برومبِرژ، ۱۳۷۰).

نویسندگان این مقاله از طریق انجام پرسشگری، مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق با ساکنان خانه‌های تاریخی، داده‌های مورد نیاز برای به‌کارگیری دانش انسان‌شناسی در شناخت معماری ایران را فراهم آوردند. در این پرسش‌ها چگونگی ورود به خانه و تشخیص و تشخص خانه از بیرون، چگونگی رابطه فضای باز حیاط با فضای درون اتاق‌ها، چگونگی تحقق فعالیت‌ها در فضاها، قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه، نقش بام و زیرزمین در شیوه زندگی در خانه‌های تاریخی، چگونگی توالی و ترکیب فضاها با یکدیگر در فعالیت‌های مختلف در خانه، چگونگی ارتباط با طبیعت، تجربه‌های کودکان و انواع مراسم و آیین‌ها مدنظر قرار گرفت.

نمونه‌ای از نتایج حاصل از به‌کارگیری دانش انسان‌شناسی در شناخت معماری ایران در سه مقوله «زندگی با طبیعت»، «طیف قلمرو خصوصی تا عمومی» و «تنوع فعالیت در فضاها» در این مقاله ارائه شده‌اند.

جدول ۴. برخی از دستاوردهای دانش انسان‌شناسی در شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران

مقوله	دستاوردها
زندگی طبیعی	<ul style="list-style-type: none"> در خانه تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حضور نمایندگانی از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه معیاری الزامی است؛ ساکنان خانه می‌آموزند که هم در درون خانه و هم در بیرون خانه از طبیعت محافظت کنند. سازمان فضایی خانه از جهات وزش باد و تابش خورشید نظم فصول، آب و ... برای ایجاد آسایش بهره می‌گیرد و با ارائه تعریفی از عناصر معماری، آنها را در درون خود ادغام می‌کند. مفهوم چشم‌انداز و تماشای طبیعت، در قالب پنجره‌ها و در-پنجره‌هایی که طبیعت حیاط را قاب می‌گیرند و همچنین فضاهای باز، پوشیده در اطراف حیاط و در ارتفاع‌های مختلف انعکاس فضایی یافته است. در حیاط و فضای باز، ارتباط نزدیک و حضور در میان طبیعت تجربه می‌شود. در فضاهای سرپوشیده، ارتباط با فاصله و بی‌واسطه با طبیعت تحقق می‌یابد و این فضاها انعکاس مفهوم نظرگاه و چشم‌انداز هستند. ارتباط با طبیعت در فضاهای بسته نیز تداوم می‌یابد. چشم‌اندازهای اتاق‌های جلوسرا به حیاط، ارتباط با واسطه با طبیعت را فراهم می‌کنند. همچنین قالی‌ها، گلیم‌ها، نقاشی‌ها، گچ‌کاری‌ها و آینه‌کاری‌ها تداوم این ارتباط در فضای بسته هستند.
از خلوت تا معاشرت	<ul style="list-style-type: none"> امکان دستیابی به خلوت تا معاشرت با دیگران از تعداد معدودی از افراد تا برگزاری جشن و مراسم در خانه‌های تاریخی امکان‌پذیر است. تنوع مقیاسی انواع جزء فضاهای مکث (دودری، سه‌دری، پنج‌دری و ...) و همچنین جایگاه آنها در سازمان فضایی از پایین‌خانه تا بالاخانه و از جلوسرا تا عقب‌سرا امکان دستیابی به فضاهایی در قلمروهای گوناگون خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورد. از لایه جلوسرا به لایه عقب‌سرا و از پایین‌خانه به بالاخانه بر خلوت فضاها افزوده می‌شود. امکان بسط و ترکیب جزء فضاها با یکدیگر بر تنوع انواع فضاهایی که در میان طیف قلمرو خصوصی و عمومی قرار می‌گیرند، می‌افزاید و امکان تجمعات بزرگتر را فراهم می‌کند. در حد فاصل جزء فضاهای خانه‌های تاریخی، فضاهای بینابینی به صورت حریم‌های فضایی ایفای نقش می‌کنند و از آنجا که نه یک سطح جدا کننده بلکه فضا هستند، هم امکان استقلال فضاها و هم ترکیب آنها را با یکدیگر فراهم می‌کنند. فضاهای پوشیده در حد فاصل فضاهای باز و بسته، راهروها و درها به عنوان حریم‌های فضایی در خانه‌های تاریخی عمل می‌کنند.
تنوع فعالیت در فضا	<ul style="list-style-type: none"> فضاها در خانه‌های تاریخی تک‌عملکردی نیستند و امکان تحقق انواع فعالیت در هر جزء فضا وجود دارد. تحقق فعالیت‌ها در هر فضا در دو حوزه مکث و عبور سازمان‌دهی می‌شود. ابعاد و حجم جزء فضاها با توجه به تعلق آنها به دو قلمرو عمومی و خصوصی برای تحقق انواع فعالیت‌هایی که نیازمند مکث یا عبور هستند تعیین می‌شود. وجود انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده که امکان انواع فعالیت‌های همراه با مکث را ایجاد می‌کنند، سبب شده است که تجربه‌های متنوعی از انجام یک فعالیت (همچون غذا خوردن، خوابیدن، ...) در فضاهای متنوع خانه‌های تاریخی شکل بگیرد. امکان رخ دادن یک فعالیت به‌ظاهر ساده که بخشی از رفتار روزمره زندگی است، در فضاهای متنوع باعث می‌شود که ابعاد معنایی و حسی آن فعالیت به سطحی بیش از یک رفتار بیولوژیک ارتقاء یابد؛ چرا که حضور در فضاهای گوناگون آن فعالیت را با تجربه‌های فضایی مختلف همراه می‌کند که آن تجربه‌ها خود معناآفرین هستند. هر فعالیت به‌سبب تحقق در انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده با انواع تجربه‌های طبیعت همراه می‌شود.

منبع: نگارندگان

معناشناسی معماری

معناشناسی معماری دانشی است که به معمار کمک می‌کند تا مصداق‌های معماری معانی و مفاهیم را در مقیاس‌های یک جامعه و یک فرهنگ شناسایی کند. هر نوع سازمان‌یابی فضا در نوع استفاده از مصالح، رنگ و تزیین بیان‌کننده مفاهیم مندرج در یک جامعه و فرهنگ نمود پیدا می‌کند. در این میان عناصر معماری نظیر سقف، کف، دیوار، ستون، پنجره، ... نقش واژگان این زبان و الگوهای معماری همانند اطاقها، تالارها، سرسراها، ایوانها، حیاطها، ... نقش جملات رساننده پیام این زبان را ایفا می‌کنند. بنابراین نقش معناشناسی معماری در طراحی یاری رساندن به معمار برای سازمان‌یابی فضا بر اساس کدهای شناخته شده زبانی معماری در جامعه‌ای است که می‌خواهد فضا برای افراد آن واجد معنا باشد.

انتقال معنا از طریق معماری نمی‌تواند بدون شناخت زبان معماری شکل گرفته و در هر جامعه‌ای صورت گیرد. نشانه‌ها قراردادهای اجتماعی هستند که با گذشت زمان و پذیرفته شدن در جامعه به‌عنوان زبان غیرکلامی به‌کار گرفته شده‌اند. ریشه این نشانه‌ها همچون ریشه واژگان در زبان طول عمرهای گوناگون و دیرپایی دارد و نشانه‌های قدیم در اثر تحول جامعه متحول شده و نشانه‌های جدیدی نیز به‌وجود آمده‌اند. از این‌رو شناخت زبان معماری ساری و جاری در درون یک فرهنگ، در درون یک جامعه و در مقیاس عمومی‌تر زبان معماری در میان انسان‌ها برای یک معمار و شناخت معماری ضروری است و دانش معناشناسی معماری به این امر کمک می‌کند.

گاه با این تجربه مواجه شده‌ایم که با حضور در یک فضای معماری به افراد احساسات مختلفی دست داده است. حضور در یک فضا برای فردی با احساس شادی و برای دیگری با غم همراه بوده است. فضاهایی نیز وجود دارند که برای افراد یک جامعه دارای معانی نسبتاً مشترک هستند. به‌عنوان مثال نشانه گنبد و مناره برای مسلمانان نشانه فضای مسجد از بیرون است. به‌هنگام سفر به سرزمین‌های دیگر، بی‌آنکه زبان مردم آن سرزمین را بدانیم از شهرها و بناهایشان لذت می‌بریم. آنها را درک می‌کنیم و می‌ستاییم، از بناهای آن سرزمین عکس می‌گیریم، خاطره می‌سازیم و برای هم‌زبانان خود تعریف می‌کنیم. حتی می‌فهمیم که از کدام ساختمان‌ها یا فضاها خوشمان نیامده است. معماری را اقوام و ملل مختلف درک می‌کنند، اما همین اقوام و ملل زبان روزمره یکدیگر را نمی‌فهمند مگر آنکه آن را بیاموزند. معماری زبانی است که چیزی بیشتر از زبان گفتاری و نوشتاری برای فهمیده شدن و ارتباط برقرار کردن دارد. معناشناسی معماری دانش چگونگی شناخت این زبان است.

نویسندگان مقاله برای به‌کارگیری دانش معناشناسی جهت شناخت معماری ایران از افراد مختلف در زمینه تأثیرات معنایی، احساسی و عاطفی فضاها و جزء فضاها در خانه‌های تاریخی پرسش کرده‌اند. با این شیوه مجموعه متنوعی از احساسات و معانی انسانی گردآوری شد. مجموعه این معانی دارای مابه‌ازاهای فضایی معین در خانه‌های تاریخی بودند که نمونه‌ای از آنچه نویسندگان مقاله با به‌کارگیری دانش معناشناسی به آن دست‌یافته‌اند و به‌عبارتی دال و مدلول‌های معنایی در خانه‌های تاریخی را تشکیل می‌دهد، در ارتباط با مقوله‌های قلمرو، عظمت و اعجاب و گشایش دل‌بازی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۵. برخی از دستاوردهای دانش معنانشناسی در شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران

مقاله	دستاوردها
قلمرو	<ul style="list-style-type: none"> • خانه تاریخی برای قلمروهای گوناگون از شهر تا خانه، مصادیق فضایی دارد. • قلمرو خانه‌های تاریخی از محدوده بیرون از خانه آغاز می‌شود که با مصادیق فضایی در بند، خط آسمان خانه و سردر همراه است. • مرز قلمرو درون خانه و بیرون خانه یک خط جدا کننده نیست. مجموعه فضاهای متوالی بینابینی (درگاه، هشتی، دالان) تمایز این دو قلمرو را از یکدیگر بیان می‌کنند. • چگونگی نمایش هر جزء فضا (تزئینات، ارتفاع سقف و...) نشانه و بیانگر قلمرویی (از خصوصی تا عمومی) است که جزء فضا به آن تعلق دارد. • نمایش فضایی مفهوم قلمرو به صورت‌ها و جلوه‌های گوناگون، باعث افزایش احساس تعلق به این قلمروهای گوناگون در خانه می‌شوند.
عظمت و اعجاب	<p>حس عظمت و اعجاب از طریق شیوه‌های متنوع در خانه‌های تاریخی مصادیق فضایی یافته است:</p> <ul style="list-style-type: none"> • وجود فضاهای بزرگ و عظیم در کنار فضاهای کوچک؛ • حضور فضاهای پرنور در کنار فضاهای کم‌نور و تاریک؛ • فضاهای بسته و پوشیده مرتفع همزمان با فضاهایی با ارتفاع کمتر؛ • فضاهای پرآرایش در کنار فضاهای ساده؛ • ترکیب چند معیار فضایی شامل بزرگی ابعاد، ارتفاع و حجم، چندلایه بودن و شفاف بودن فضا، حضور تعریف شده نور طبیعی از سقف و تزئینات در فضاهایی همچون دستگاه سرپوشیده.
گشایش و دلبازی	<ul style="list-style-type: none"> • حس گشایش و دلبازی، یکی از تجربه‌های بسیار آشنای ساکنان خانه‌های تاریخی است و آن‌ها احساس خود از خانه را با این واژه‌ها توصیف می‌کنند. • به‌خاطر تمایز آشکار بین سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده از یک طرف و رعایت قلمروهای عمومی و خصوصی در طراحی مقیاس جزء فضاها (تمایز آشکار در ابعاد کف و ارتفاع سقف) از طرف دیگر احساس گشایش و دلبازی در کنار وجود فضاهای مانند کنج و پستو مشخص‌تر بروز می‌کند. • تجربه حضور در انواع فضاهای باز مانند صفا، مهتابی، بام، وجود چشم‌انداز از فضاهای بسته و پوشیده به حیاط، امکان بسط فضایی و مسدود نبودن فضاها و وجود فضاهایی با سقف‌های مرتفع، از جمله مصادیق فضایی مفهوم گشایش و دلبازی هستند.

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های شناخت در دنیای معاصر، تجزیه یک پدیده به عوامل تشکیل‌دهنده آن است. چنانکه می‌توان معماری را به اجزایی همچون مصالح، ایستایی، زیبایی، کارایی، سلامت، سقف، کف، دیوار و اجزایی از این دست تجزیه کرد. اما مشکل روش تجزیه، چگونگی تجمیع دستاوردها و فهم جوهر پدیده پس از تجزیه است. از این رو برای شناخت پدیده معماری و معماری ایران که از عوامل متعدد، ناهمگن و غیرهمجنس تشکیل شده، شیوه‌های شناخت چنددانشی دقیق‌تر و عمیق‌تر هستند. به‌همین سبب در این مقاله به‌کارگیری همزمان سه دانش گونه‌شناسی، انسان‌شناسی و معنانشناسی برای شناخت وجوه متعدد معماری ایران صورت گرفت. انسان‌شناسی به جهت چگونگی انعکاس مضمون زندگی در معماری و معنانشناسی برای شناخت حالت‌ها و معانی پنهان معماری انتخاب شد. دانش گونه‌شناسی نیز این امکان را فراهم آورد تا فهم فرم فضا در درون یک زندگی که همه ابعاد مادی و معنوی انسان را شامل می‌شود و در درون بستر مکانی سرزمین ممکن شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. زمان‌های غیرخطی، اسطوره‌ای و جاودانگی.
۲. آثار کریم پیرنیا، نادر اردلان، محمود توسلی، غلامحسین معماریان و محمدرضا حائری از جمله آثاری است که در آنها به نحوی از دانش گونه‌شناسی استفاده شده است.
۳. اصطلاح انسان‌شناسی معماری، [Architectural Anthropology] مربوط به جریانی است که ریشه‌های آن در دانشگاه کانزاس آمریکا در دهه ۱۹۸۰ و با محوریت قرار دادن اثر راپاپورت شکل گرفت. این جریان با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی دوسالانه تحت عنوان «شکل مصنوع و فرهنگ»، فراخوانی برای بررسی میان معماری و سازمان‌دهی فضایی در ارتباط با فرهنگ انسانی صادر کرد و از آن زمان، بسیاری از معماران و همچنین دانشمندان علوم اجتماعی به بسط این برنامه تحقیقاتی کمک کرده، در آن شرکت داشته‌اند.

منابع

- استرلن، هانری (۱۳۷۷) *صفهان تصویر بهشت*، ترجمه جمشید ارجمند، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران.
- برومبژده، کریستین (۱۳۷۰) *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۲) *تخت جمشید، عکس از نصرت‌الله کسرائیان*، ترجمه سودابه دقیقی، ناشر نصرت‌الله کسرائیان، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۶۳) *معماری ایران*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر تاریخ و فرهنگ ایران زمین، انزلی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۱) *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۰) *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، نشر پژوهنده، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹) *شیوه‌های معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، مؤسسه نشر هنر اسلامی وابسته به معاونت امور فرهنگی و اجتماعی و هنری بنیاد مستضعفان و جانبازان، تهران.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸) *خانه، فرهنگ، طبیعت*، انتشارات مسکن و شهرسازی، تهران.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸) *نقش فضا در معماری ایران*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۰) «در جستجوی فضاهای گمشده»، *فصلنامه ایران‌نامه*، تحقیقات ایرانشناسی، سال نهم، شماره ۴.

- شایگان، داریوش (۱۳۵۵) *بتهای ذهنی و خاطره ازلی*، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 - شایگان، داریوش (۱۳۵۶) *آسیا در برابر غرب*، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، تهران.
 - فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵) *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، هواپیمایی جمهوری اسلامی، تهران.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶ الف) *معماری ایران، دوره اسلامی*، جلد اول، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶ ب) *شهرهای ایران دوره اسلامی*، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۸) *معماری ایران، دوره اسلامی*، جلد دوم، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۰) *شهرهای ایران*، جلد چهارم، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
 - گُدار، آندره؛ گدار، یدا (۱۳۶۶) *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقدم، شهر، دوره دو جلدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس، مشهد.
 - گُدار، آندره (۱۳۶۹) *طاق‌های ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، انتشارات فرهنگسرا، تهران.
 - گیرشمن (۱۳۵۵) *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه دکتر محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 - گیرشمن (۱۳۷۲) *چغازنبیل*، جلد اول، ترجمه اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
 - نصر، سیدحسین (۱۳۷۰) *هنر قدسی در فرهنگ ایران*، در مجموعه مقالات جاودانگی هنر، ترجمه سیدمحمد آوینی، انتشارات برگ، تهران.
-
- Ardalan, Nader & Bakhtiar, Laleh (1973) *The Sense of Unity (The Sufi Tradition in Persian Architecture)*, The University of Chicago, U.S.A.
 - Egenter. Nold (1997) "On The Way Towards An Anthropology Of Architecture" Retrieved from http://home.worldcom.ch/negente/014aBaubioE_Tx1.html.
 - Rapoport, Amos (1969) *House form & Culture*, Prentice Hall, Inc. Englewoodcliffs, N. J.
 - Rapoport, Amos (1999) "Spatial organization and the built environment", in *Ingold Time*, 1999, Companion Encyclopedia of Anthropology", London, New york, Routledge, 460-502.
 - Rossi, Aldo (1992) *The Architecture of the City*, MIT Press, 7th printing.